

جلسه ششم و هفتم :

نقوش و تزئینات در معماری اسلامی، صرفاً جنبه زیبایی‌شناختی ندارند، بلکه حامل پیام‌های عمیق فلسفی، عرفانی، علمی و فرهنگی هستند. این تزئینات، پنجره‌ای به جهان‌بینی معماران و سازندگان بناهای اسلامی باز می‌کنند.

در اینجا به مهم‌ترین انواع نقوش و تزئینات و مفاهیم پشت آن‌ها می‌پردازیم:

۱. نقوش هندسی:

- **مفهوم:** بیانگر نظم الهی، وحدت در کثرت، و تکرار ابدیت. از آنجایی که تصویرگری انسان و حیوان در فضاهای مذهبی محدودیت داشت، اشکال هندسی به ابزاری برای بیان مفاهیم انتزاعی و متعالی تبدیل شدند.
- **انواع:**
- **ستاره‌ای:** شامل اشکال ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲ و... پره (ستاره‌ها و چندضلعی‌های منتظم). این اشکال با ایجاد تکرار و تقارن، حس بی‌پایانی را القا می‌کنند.
- **گره‌چینی:** اتصال خطوط مستقیم و منحنی به صورت پیچیده و در هم تنیده، که نمادی از وحدت عالم در عین کثرت اجزا است.
- **لچک و ترنج:** نقوشی که در کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها برای تزئین فضاها و ایجاد ریتم به کار می‌روند.
- **کاربرد:** در کاشی‌کاری‌ها (هفت‌رنگ، معرق، مینا)، گچ‌بری‌ها، آجرکاری‌ها، حجاری‌ها و حتی در ساختار بنا (مانند گرمچینی پنجره‌ها).

۲. نقوش گیاهی (اسلیمی و ختایی):

- **مفهوم:** نمادی از «وجود» و «حیات جاری» در عالم، رویش، بالندگی و زیبایی خلقت. اسلیمی که از برگ درختان و ساقه‌های پیچیده الهام گرفته، اغلب به شکل انتزاعی و سیال به تصویر کشیده می‌شود.
- **انواع:**
- **اسلیمی:** نقوش مارپیچ و سیال که از یک نقطه منشعب شده و به شکل انتزاعی گسترش می‌یابند.
- **ختایی:** نقوشی که شباهت بیشتری به گل‌ها و برگ‌های واقعی دارند، اما همچنان با قلم اسلیمی آمیخته می‌شوند.
- **کاربرد:** در تزئین کتیبه‌های قرآنی (به‌ویژه در بالا و پایین آیات)، کاشی‌کاری‌ها، گچ‌بری‌ها، و حتی در نقش قالی‌ها.

۳. نقوش انسانی و حیوانی (در فضاها غیرمذهبی):

- **مفهوم:** در فضاها غیرمذهبی مانند خانه‌ها، کاخ‌ها، یا بناهای عام‌المنفعه، تصویرگری انسان و حیوان برای بیان داستان‌ها، اساطیر، صحنه‌های شکار، یا نمایش زندگی روزمره به کار می‌رفته است.
- **انواع:**
- **صحنه‌های شکار:** به تصویر کشیدن پادشاهان یا پهلوانان در حال شکار.
- **مناظر بزم و رزم:** نمایش صحنه‌های شادمانی، موسیقی، رقص، یا نبرد.
- **نقوش نمادین:** مانند شیر (نماد قدرت)، طاووس (نماد زیبایی)، یا سیمرغ (نماد اساطیری).

- کاربرد: در کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ (به‌ویژه در دوره صفویه)، نگارگری (مینیاتور)، حجاری‌ها و گچ‌بری‌ها.

۴. خوشنویسی (کتیبه‌ها):

- مفهوم: کلام الهی، ذکر ائمه، یا اشعار عرفانی به عنوان زیباترین و مهم‌ترین عنصر تزئینی. خط، خود به تنهایی یک هنر بصری قدرتمند در معماری اسلامی است.
- انواع خطوط: کوفی، ثلث، نسخ، نستعلیق، شکسته نستعلیق و... هر کدام با زیبایی و ظرافت خاص خود.
- محتوا: آیات قرآن، احادیث، نام معصومین، اشعار عرفانی، و نام سازندگان بنا.
- کاربرد: در کتیبه‌های بالای سردر بناها، اطراف محراب‌ها، بر روی گنبد‌ها، و در تزئین محراب‌ها.

۵. کاشی‌کاری:

- مفهوم: یکی از شاخص‌ترین هنرهای تزئینی معماری اسلامی که با رنگ و نقش، جلوه‌ای بی‌نظیر به بنا می‌بخشد.
- انواع:
- کاشی معرق: بریده‌کاری کاشی‌های رنگی و چسباندن آن‌ها در کنار هم برای ایجاد نقوش پیچیده.
- کاشی هفت‌رنگ: نقاشی نقوش (هندسی، اسلیمی، انسانی) بر روی کاشی سفید و سپس پخت آن.
- کاشی مثبت (برجسته): ایجاد نقوش برجسته با استفاده از کاشی.
- کاشی مقرنس: نوعی تزئین سمبهدی پیچیده که در تزئین گنبد‌ها و مقرنس‌ها به کار می‌رود.
- کاشی گره: کاشی‌هایی که با الهام از نقوش گرم‌چینی ساخته می‌شوند.
- کاربرد: پوشاندن سطوح وسیع دیوارها، گنبد‌ها، مناره‌ها، سردرها، محراب‌ها و...

۶. گچ‌بری:

- مفهوم: کنده‌کاری و ایجاد نقوش ظریف و پیچیده بر روی لایه گچ نما یا دیوارهای داخلی.
- انواع: شامل نقوش هندسی، اسلیمی، ختایی، و گاهی نقوش انسانی و حیوانی (در فضاهای خاص).
- کاربرد: تزئین محراب‌ها، سردرها، ایوان‌ها، و فضاهای داخلی بناها.

۷. آجرکاری:

- مفهوم: استفاده از آجرهای تراش‌خورده و چیدمان خلاقانه آن‌ها برای ایجاد نقوش هندسی، آجرچین‌های خاص، و تزئینات عمودی یا افقی.
- انواع: آجر برجسته، آجر تراش، آجر رنگی، آجر نما.
- کاربرد: تزئین نماهای خارجی، مناره‌ها، کتیبه‌ها، و ایجاد ریتم در سطوح وسیع.

ارتباط با مفاهیم پیشین:

- درون‌گرایی: بسیاری از این تزئینات، به‌ویژه نقوش هندسی و اسلیمی، به فضاهای داخلی بنا جلوه‌ای عرفانی و روحانی می‌بخشند و به حس درون‌گرایی کمک می‌کنند.

- **سلسله مراتب:** تزئیناتِ غنی‌تر و پرکارتر معمولاً در فضاهايِ مهم‌تر (مانند محراب، سردر اصلی، یا گنبدخانه) به کار رفته‌اند که نشان‌دهنده سلسله مراتبِ فضایی است.
- **علم و عرفان:** نقوش هندسی با دقتِ ریاضی‌گونه و نقوش اسلیمی با پیوستگی نباتی، هر دو به نوعی بیانگر نظمِ حاکم بر عالم و یا جستجویِ حقیقتِ هستی هستند.